

۱۰۹	۱-۲-۳ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۸۴
۱۱۰	۴-۵-۶ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۵۵
۱۱۱	۷-۸-۹ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۷۰
۱۱۲	۱۰-۱۱-۱۲ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۷۵
۱۱۳	۱۳-۱۴-۱۵ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۷۹
۱۱۴	۱۶-۱۷-۱۸ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۸۳
۱۱۵	۱۹-۲۰-۲۱ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۸۷
۱۱۶	۲۲-۲۳-۲۴ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۹۱
۱۱۷	۲۵-۲۶-۲۷ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۹۵
۱۱۸	۲۸-۲۹-۳۰ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۹۹
۱۱۹	۳۱-۳۲-۳۳ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۰۳
۱۲۰	۳۴-۳۵-۳۶ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۰۷
۱۲۱	۳۷-۳۸-۳۹ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۱۱
۱۲۲	۴۰-۴۱-۴۲ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۱۵
۱۲۳	۴۳-۴۴-۴۵ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۱۹
۱۲۴	۴۶-۴۷-۴۸ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۲۳
۱۲۵	۴۹-۵۰-۵۱ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۲۷
۱۲۶	۵۲-۵۳-۵۴ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۳۱
۱۲۷	۵۵-۵۶-۵۷ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۳۵
۱۲۸	۵۸-۵۹-۶۰ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۳۹
۱۲۹	۶۱-۶۲-۶۳ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۴۳
۱۳۰	۶۴-۶۵-۶۶ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۴۷
۱۳۱	۶۷-۶۸-۶۹ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۵۱
۱۳۲	۷۰-۷۱-۷۲ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۵۵
۱۳۳	۷۳-۷۴-۷۵ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۵۹
۱۳۴	۷۶-۷۷-۷۸ هستی شناسی ارسطو در مفهوم انسانیت	۱۶۳

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۰	مقدمه
۲۳	فصل یکم. هستی‌شناسی ارسطو در متافیزیک
۲۳	۱-۱ درآمد
۲۴	۲-۱ سرآغاز هستی‌شناسی در یونان
۲۴	۳-۱ جهان در انديشه هومروس
۲۵	۴-۱ جهان در انديشه هسيودوس
۲۶	۵-۱ مكتب ايونيا
۳۰	۶-۱ فيثاغوريان
۳۰	۷-۱ هراکليتوس
۳۲	۸-۱ پارمنيدس
۳۴	۹-۱ افلاطون
۳۷	۱۰-۱ هستی‌شناسی ارسطو
۳۸	۱۰-۱ آثار ارسطو
۴۰	۱۰-۱ متأفیزیک ارسطو
۴۱	۱-۱۰ نام و سرگذشت کتاب
۴۵	۱-۱۰-۳-۱ یک ارسطو یا چند ارسطو؟
۴۶	۱-۱۰-۴ مسئله / مسائل اصلی ارسطو در هستی‌شناسی
۴۹	۱-۱۰-۵ حکمت یا مابعد الطبيعه

۱۰_۵_۱	تعريف ارسطو از سوفیا / حکمت در آلفای بزرگ
۱۰_۵_۲	تعريف ارسطو از فلسفه در دفتر آلفای کوچک
۱۰_۵_۳	تعريف ارسطو از هستی‌شناسی در دفتر گاما
۱۰_۶	جایگاه متفاہیزیک در علوم؛ جایگاه هست / هستی‌شناسی در متفاہیزیک
۱۰_۷	معانی واژه وجود / موجود
۱۰_۸	اوپسیا / هست راستین / <i>oὐσία</i>
۱۰_۹	صورت همچون هست راستین
۱۰_۱۰	حرکت و حرکت دهنده نخستین
۱۱_۱۱	محرك نامتحرک
فصل دوم. سرگذشت متفاہیزیک در زبان عربی	
۱_۲	۱_۲ مقدمه
۲_۲	۲_۲ روایت ابن ندیم در الفهرست
۲_۳	۲_۳ متن متفاہیزیک ارسطو در تفسیر ابن رشد
۲_۴	۲_۴ متفاہیزیک ارسطو در آثار فیلسوفان در تمدن اسلامی
۲_۵	۲_۵ ارسطو در آثار کندی
۲_۶	۲_۶ متفاہیزیک ارسطو در آثار فارابی
۲_۷	۲_۷ ارسطو در ملل و نحل شهرستانی
فصل سوم. هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات و تنبیهات	
۳_۱	۳_۱ مقدمه
۳_۲	۳_۲ هستی‌شناسی فیلسوفان پیش از ابن سینا در تمدن اسلامی
۳_۳	۳_۳ «وجود» و «موجود»
۳_۴	۳_۴ «وجود» و «موجود» در ساختار قواعد زبان‌شناسی
۳_۵	۳_۵ معنای «وجود» و «موجود» در زبان عربی
۳_۶	۳_۶ وجود و موجود در زبان یونانی
۳_۷	۳_۷ «وجود» و «موجود» در آثار مترجمان متون فلسفی
۳_۸	۳_۸ معنای دو واژه «وجود» و «موجود» پس از عصر استقرار فلسفه
۳_۹	۳_۹ هستی‌شناسی فیلسوفان ماقبل ابن سینا در تمدن اسلامی

۱۰_۳_۳	۱۰_۳_۳ هستی‌شناسی در آثار کندی
۱۰_۳_۴	۱۰_۳_۴ هستی‌شناسی زکریای رازی
۱۰_۳_۵	۱۰_۳_۵ هستی‌شناسی فارابی
۱۰_۳_۶	۱۰_۳_۶ هستی‌شناسی اخوان الصفا
۱۰_۳_۷	۱۰_۳_۷ هستی‌شناسی عامری
۱۰_۳_۸	۱۰_۳_۸ چند نکته
۱۰_۴_۳	۱۰_۴_۳ هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات
۱۰_۴_۴	۱۰_۴_۴ مختصری در زندگی ابن سینا
۱۰_۴_۵	۱۰_۴_۵ نام کتاب اشارات
۱۰_۴_۶	۱۰_۴_۶ اهمیت اشارات و تنبیهات و تفاوتش با دیگر کتاب‌های شیخ الرئیس
۱۰_۴_۷	۱۰_۴_۷ هستی‌شناسی ابن سینا در کدام بخش از اشارات؟
۱۰_۴_۸	۱۰_۴_۸ تعريف و غایت فلسفه اولی
۱۰_۴_۹	۱۰_۴_۹ آیا موجود همان محسوس است؟
۱۰_۴_۱۰	۱۰_۴_۱۰ شیء ممکن چون معلول.
فصل چهارم. مقایسه هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات و تنبیهات با هستی‌شناسی ارسطو در متفاہیزیک	
۲۰_۳_۱	۲۰_۳_۱ مقایسه دو فرد و دو اثر
۲۰_۳_۲	۲۰_۳_۲ مقایسه ارسطو و ابن سینا
۲۰_۳_۳	۲۰_۳_۳ مقایسه م با اشارات
۲۰_۳_۴	۲۰_۳_۴ مقایسه اولی چیست؟
۲۰_۳_۵	۲۰_۳_۵ آیا موجود همان محسوس است؟
۲۰_۳_۶	۲۰_۳_۶ شیء همچون معلول
۲۰_۳_۷	۲۰_۳_۷ سخن آخر
۲۱_۱	۲۱_۱ منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

آنچه تقدیم می‌شود پژوهشی است به قصد مقایسه هستی‌شناسی ابن‌سینا در اشارات و تنبیهات با هستی‌شناسی ارسطو در متافیزیک. تا رسیدن به این خواسته، باید ابتدا هستی‌شناسی عزهردو مورد را به چنگ آورد و کاش چنین می‌توانستیم. در عمل اما می‌بینیم که رسیدن به قیم-تفسیر درست از هستی‌شناسی ابن‌سینا در این اثرش سخت صعب است. گواین که جهان تصویر ما به او بسیار نزدیک است و حتی او خود سهمی دارد در جهان تصویری که ما در آن زاده شده‌ایم، در آن می‌اندیشیم، و از آن به جهان تصویرهای دیگر می‌نگریم تا بخوانیم و قیم-تفسیرشان کنیم. حالا ببینید کارما در خواندن و فهم - تفسیر متون بر جای مانده از قیلوفی از زبان و سنتی دیگر تا چه اندازه با دشواری رویه روست. نزدیک شدن به اندیشه این تئومی دشوارتر است و در نتیجه، مقایسه در این مورد هم از آرزو و آرمان پیش‌تر کاش امکان داشت.

لیک، ازانجا که به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل، تا اندکی نزدیک شدن به این خواسته کوشش شده اندیشه هستی‌شناسختی این دو تن در زمینه تاریخی فلسفی آن به دید آید و قیم-تفسیر و روایت شود؛ چه، اندیشه آنان درین باب در ادامه پرسش‌ها و پاسخ‌هایی پدید آمد؛ که تا روزگار ایشان و در روزگارشان در جریان بوده‌ست و با توجه به این زمینه راحت تر و تدرست‌تر می‌توان به میراث هستی‌شناسختی اشان نزدیک شد.

ارسطو در سنت یونانی به هستی می‌اندیشید و ابن‌سینا در سنت اسلامی و شاید ایرانی. این است که از اساس این امکان نبوده است که ابن‌سینا از چشم ارسطو به هستی نگریسته باشد و آن را به نظر گرفته باشد. در نتیجه، آنچه در اشارات و تنبیهات در باب هستی آمده است باید متفاوت از هستی‌شناسی به جای مانده در دفاتر متافیزیک باشد.

و تبیهات یا متأفیزیک عبارات پیش روی خود ازین دو اثر را به فهم - تفسیری به گمان خود تردیک به متن برساند و به آثار دیگران تا آنجا مراجعه و اتکا شده که ضرورت داشته است و در این امروزها ساعت‌های بسیاری به سرگردانی تردید، ابهام یا انتخاب تفسیر ممکن تریا تردیک‌تر طی شده است. گواین که این سینا خود نیز چنین بوده است؛ لاقل در فهم - تفسیر عبارات متأفیزیک ارسطو شاید در همه آنات اندیشیدن و پیش و پیش ازاو ارسطو که گویی در جست وجو و به تردید می‌زیسته است همه عمر را و این است گویا اساساً فلسفیدن را سرشنست و که دروانیسته است به فلسفه عمر عزیز خویش را اگر به راستی فیلسوف بوده است!

و سپاس می‌گذارد این دانش آموز اکنون خسته به آستان همه استادان و معلمان خود در این ۴۰ سال؛ از آن نخستین مهرماه شاد و بازیگوش قلعه‌بردی عزیزتا این آخرین پاییز آرام و خاموش تهران خاکستری، به ویژه از:

آیت الله سید محمدی ابن الرضا خوانساری؛ معلم یگانه زیست اصیل و عزیز!

دکتر عباس ذهبی، دکتر بابک عباسی، دکتر امیر عباس علی‌زمانی، دکتر رضا اکبری، دکتر عالی حسینی، دکتر حسین هوشنگی، دکتر حسن قنبری که در طی کار، وقتی که این دفتر رسالت دکتری بود، بارها از گفتگو با آنها نکته‌ها آموختم.

دکتر پرویز ضیاء‌شهابی، با آن حافظه درخشان و تفاسیر درخشان‌تر از متون یونانی، که حضورش هر مجلسی را حکمی می‌سازد: اینجا هم خدایان هستند!

دکتر محمد رضا حسینی بهشتی که نادیده از قبل و ناآشنا، بی‌سفرارشی حتی، نزدیک به دو هزار صفحه از کارهای اشان را قبل از انتشار در اختیار بندۀ نهادند و چند جلسه نیز وقت گذاشتند، با حوصله شنیدند، و به آرامی و خوش پاسخ گفتند.

دوست گرامی دیرین، اکبر قنبری، که به لطف و دانش و هنر انتشار این اثر را پذیرفت.

پسرانم محسن و ماهان که اغلب سکوت می‌کنند و بسیار کم می‌خواهند.

دیرزیند و شاد این جانها و شما، همه گرامی، که این واژه‌ها از روش نگاه شماست که سست می‌رقصد؛ و تو بگو هزار نکته باریک ترزو هست و نیست و دیده شاید نشده باشد درین کار. خوب راهی است اندکی طی شده تایکی دیگر و بهتر در رسید و امید که بسیاران! پس بر ما ببخشید!

اگر توانسته باشد، پوینده این پژوهش، کوشیده است با مراجعه به بخش‌های دیگر اشارات

هستی، در نظر ارسطوی یونانی، مجموعه‌ای به هم پیوسته، در کون و فساد دائمی درون بود و خود بسنده است که محورش اوسیا / جوهر است و همه اتفاقات این هستی در، با، به دست، و حول آن می‌گردد؛ اما در نگاه ابن سینا، این مجموعه، وابسته و متنکی به آفریننده‌ای بیرون و متفاوت از همه باقی هستان است. این آفریننده، اما خود، نه فقط خود بسنده است و فراتراز بقیه هستان؛ بلکه هر هستی جز خود را هم از عدم به وجود می‌آورد و تا هست این اوست که هستش نگه می‌دارد. محور این هستی، همین آفریننده و نگهدارنده آن، یعنی واجب‌الوجود، است.

در هستی‌شناسی از و در بنیاد متفاوت این سینا، اجزایی هم از فلسفه ارسطو هست؛ همچنان که از فلسفه منحول نسبت داده شده به او که فلسفه نوافلاطونیان یونانی باشد. اما ساختمان و سازمان هستی‌شناسی این سینا غیر یونانی، اسلامی و مسلمانانه است و کمال یک دوره از فلسفه در این تمدن.

اما این همه بحث نیست و به راحتی نمی‌توان سخن این همه فیلسوف و مورخ فلسفه را نادیده انگاشت که باور داشتند این سینا شاگرد ارسطو بوده است. باید بینیم این فیلسوف مسلمان در کجا یا کجاها به شاگردی از آن فیلسوف یونانی متأثر بوده است و در کجاها از تأثیر پذیری از وی برکنار.

در این نوشتۀ متواضع گاه به حدیث نفسی بر می‌خوریم سرگردان از حیرت یا درمانده در برابر پرسش‌هایی. می‌شد این عبارات را به شکل مقبول و معمول اهل فن برگرداند؛ اما شاید باقی گذاشتن نشان درواها و درماندگی‌های نویسنده این دفتر در این موارد به طبعیت زیست فکری ارسطو نزدیک تر باشد از روایتی قاطع و صلب که میان ایشان متدالوی است.

در این دفتر، عین عبارات ارسطو و این سینا نقل شده تا خواننده منبع ادعاهای نویسنده را در دست داشته باشد تا اگر خواست بتواند درباره انتخاب و فهم - تفسیر او نظر بدهد و هم خود بتواند به سمت انتخاب و فهم - تفسیر دیگری برود. علاوه بر عین عبارات این دو فلسفه، به متون دیگر تا آنجا مراجعه شده که کمکی می‌رسانده است به این انتخاب و فهم - تفسیر. بنا، در این دفتر، بر ابتدای سخنان ارسطو و این سینا بوده است. از شارحان و مفسران ایشان و یا دیگر افراد اگر نقلی شده، برای پرتوافکنند برسخن این دو بوده است. این همه، به عمد و آگاهی از افتادن به دام نوشتنهای و متون دیگر پرهیز شده است. گواین که گیری از تفسیر سخن آن دو و مراجعه به تفاسیر سخن اشان نیست.